

زبانی دیگر

نسیم آزادی

آدمی به وسیله‌ی سخن گفتن با دیگران ارتباط برقرار می‌سازد و زندگی اجتماعی شکل نمی‌گیرد مگر با ارتباط، بنابراین آشنایی با زبان اول دنیا که بیشترین آثار علمی و فرهنگی به آن نوشته و ترجمه شده موجب آشنایی ما با سایر انسان‌ها خواهد شد و زمینه ارتباط ما را با آنها فراهم می‌سازد. برای آشنایی با زبان انگلیسی باید از یک جایی شروع کرد.

اصلاحیه

What causes insomnia?

چه چیزی باعث بی‌خوابی می‌شود؟
It's no surprise stress and depression (over family, health, job or other Problems) are linked to insomnia.

تجلی نیست که فشار عصبی و افسردگی مربوط به (خانواده، سلامت شغل و یا مشکلات دیگر) با بی‌خوابی در ارتباط هستند.

Insomnia may be caused by physical illness: itching, aches, asthma, arthritis, ulcers, and heart Problems that involve shortness of breath or difficulty in breathing.

همچنین بی‌خوابی می‌تواند به علت بیماری‌های جسمی، خارش، درد، آسم، اتریت، زخم‌ها و مشکلات قلبی که کوتاه شدن تنفس و یا اشکال در نفس کشیدن دخیلند به وجود آید.

How can you cure it?

چگونه درمان کنید؟

a. If you've had a bad night's sleep, don't stay in bed later the next morning.

اگر خواب شبانه بدی داشته‌اید، روز بعد تا دیرموقع در رختخواب نمانید.
b. Don't go to bed later the next night. Stick to your usual bed time and rising pattern.

شب بعد زودتر به رختخواب نروید. همانطور که در زمان معمول خواب خود و الگوی بیدار شدن خود ادامه دهید.

c. Don't nap during the day naps cut down on night sleep time

در طول روز چرت نزنید. چرت زدن در طول روز، از زمان خواب شبانه می‌کاهد.
d. Never lie awake in bed for more than ۳۰ minutes.

هرگز بیش از سی دقیقه بیدار در رختخواب نمانید.

e. When you get out of bed after half an hour of sleeplessness, do something.

وقتی پس از نیم ساعت بی‌خوابی بیرون می‌آید کاری انجام دهید.
f. Get as much exercise as such exercise as Possible, Preferably early in the day. Exercise is great sleep inducer.

تا آنجا که می‌توانید و ترجیحاً در صبح زود ورزش کنید. ورزش التفاء کننده خواب بسیار خوبی است.

در حاشیه‌ی نمایشگاه کتاب

هما ریاضی

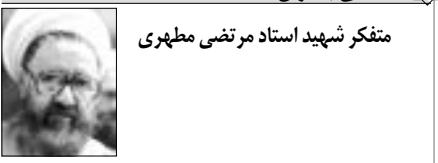
باید کرد تا نمایشگاه کتاب در شهرمان جذابیت سال‌های گذشته خود را باز یابد و از استان‌های دیگر عقب نمانیم. چرا که بعضی ناشران از استقبال کم مردم شیراز گله داشتند و معتقد بودند استقبال مردم شیراز از شهرهایی مثل کرمان، تبریز، مشهد و حتی بیرجند در خراسان جنوبی کمتر بوده. از شهری مثل شیراز پایتخت فرهنگی و تاریخی ایران انتظار بیشتری داشتیم، چرا مخابرات که در همه جا و همه وقت برای هر اتفاقی حاضر است در نمایشگاه کتاب حضور نداشت. کوتاهی از کیست؟ نباید فراموش کرد که فرهنگ در تار و پود زندگی همه تنیده است، اگر ثمر دهد سودش عاید همه می‌شود و اگر از رشد و بالندگی باز ماند ضرر و زیانش باز به همه خواهد رسید.

و ای کاش دست از این همه رقابت و قهرمان پروری برمی‌داشتیم و بیشتر همکاری با هم داشتیم بویژه در حوزه فرهنگ سعی ما این بود که نشان دهیم همه قهرمان هستند و دلسوز فرهنگ و مردم نه فقط یک یا چند نفر و توجهی هم به دیگران هرچند اندک می‌شد، بویژه ناشران شهرستانی. در بین آن‌ها هستند کسانی که هم لیاقت دارند و هم دلسوز مردم و فرهنگ شهر خویش چرا که حوزه‌ی فرهنگ صحنه تجارت، رقابت و مسابقه نیست تا برد و باخت داشته باشد. فرهنگ نهالی است محصولی که نیازمند توجه و تدبیر است تا محصولی نیکو دهد. هرچند دیر هنگام اما نیکو و بارور بودنش مهم است.



کتابخانه‌های عمومی استان نبود تا از طریق همین رسانه ملی به معرفی منابع خود و چگونگی استفاده از کتابخانه‌های عمومی می‌پرداخت. آموزش و پرورش که مسوولیتی بس سنگین در اقبال شکوفایی فرهنگ و تربیت کودکان و نوجوانان دارد چرا در چنین برنامه‌هایی نباید حضوری فعال داشته باشند. آیا وقت آن نرسیده است تا مسوولین استان بویژه مسوولین فرهنگی به خود آمده مسائل و معضلات فرهنگی را مورد بررسی و نقد قرار دهند چرا؟ نمایشگاه کتاب هر سال هیجان سال‌های پیش را ندارد، اگرچه باز هم ممکن است مسئله شبکه‌های مجازی را مطرح کنیم با این حال چکار

استان است و قصدشان از برپایی چنین نمایشگاه‌هایی بهبود اوضاع فرهنگی و صد البته بهبود و ارتقاء سطح مطالعه در استان است، نهادهای یاد شده با یکدیگر همدلی و همکاری ندارند. رسانه ملی که اگرچه وظیفه‌ی مهمی در فرهنگ‌سازی و بهبود اوضاع فرهنگی جامعه دارد چرا در چنین زمانی حضورش کم رنگ و شاید بشود گفت حضور نداشته باشد. آیا بهتر نبود از صاحب نظران فرهنگی، نویسندگان، منتقدین، کتاب دوستان و... دعوت می‌شد تا به معرفی کتاب‌های خوب و نیز به معرفی کتاب‌های حاضر در نمایشگاه می‌پرداختند و مردم را از برپایی نمایشگاه کتاب و منابع آن آگاه می‌کردند. یکی از بزرگترین وقایع فرهنگی در



متفکر شهید استاد مرتضی مطهری

تفسیر سوره بلد

معانی حل
حال اینجا می‌فرماید: لا اقسیم بهذا البلد. و انت حل بهذا البلد. اولاً کلمه «حل» در زبان عربی یا از ساده «حلول» (حل یحل) است که به معنی «حال» می‌شود. در این صورت معنی آیه چنین می‌شود: و تو حلول کننده‌ای در این شهر؛ یعنی اقامت داری در این شهر.

معنی دیگر «حل»، «حلال» است. در این صورت معنی آیه چنین می‌شود: و حرمت تو در میان این مردم از بین رفته است؛ اینجا بلد حرام و شهر حرام است و همه چیز حتی حیوانات محترمانه، ولی تو در اینجا برای این مردم حلال هستی؛ یعنی این مردم درباره یک حیوان ظلم را روا نمی‌دارند ولی درباره تو هر ظلمی را روا می‌دارند.

معنی دیگر «حل»، «مُحَل بودن» است. در مکه مردم مُحَرَم می‌شوند و در حال محرم بودن خیلی از چیزهایی که در حال مُحَل بودن بر آنها حرام نیست حرام می‌شود و نسبت به یک چیزهایی هم انسان در آنجا همیشه در حال احرام است مثل صید کردن و شکار کردن حیوانات حرم.

«محل بودن» به معنی این است که آنچه بر دیگران حرام است بر تو حلال است.

وجه اول

حال اگر در اینجا «حل» را به معنی حلال و کسی که تمام حقوقش از بین رفته و هر ظلمی درباره او جایز است بگیریم آن وقت «لا اقسیم» به معنای حقیقی‌اش است؛ یعنی واقعا قسم نمی‌خورد.

لا اقسیم بهذا البلد. و انت حل بهذا البلد. من به این شهر که برای تو حرمتی قائل نیست قسم نمی‌خورم؛ یعنی این شهر آن وقت حرمت دارد که تو حرمت داشته باشی؛ وقتی تو که پیغمبر خدا هستی، در این شهر حرمت نداری پس من به این شهر قسم نمی‌خورم. این یک معنی است که فی حد ذاته می‌تواند درست باشد.

وجه دوم

اما اگر «حل» را به معنی حلول کننده بگیریم معنی دیگری می‌دهد که آن هم درست است. در این صورت معنی چنین می‌شود: سوگند به این شهر در حالی که تو مقیم آن هستی؛ یعنی چون تو در این شهر مقیم هستی من به این شهر سوگند یاد می‌کنم.

هر دو وجه مذکور از نظر نتیجه یکی می‌شود و حرمت پیغمبر را بیان می‌کند. در یک وجه می‌فرماید: چون تو کسی هستی که در این شهر درباره تو هر ظلم و ستمی را روا می‌دارند من به آن سوگند نمی‌خورم، چون قابل سوگند خوردن نیست. در وجه دیگر می‌فرماید: به دلیل اینکه تو در این شهر اقامت داری سوگند می‌خورم.

وجه سوم

وجه دیگر این است که به تعبیر صاحب کشف جمله «و انت حل بهذا البلد» جمله معترضه باشد که در میان دو قسم واقع شده.

در این صورت معنی چنین می‌شود: سوگند به این شهر و تو در آینده مقیم این شهر خواهی بود (این جمله دوم معترضه است؛ یعنی این شهری که امروز تو را از آن بیرون می‌کنند روزی تو به این شهر بازمی‌گردی و این شهر، شهر و جایگاه تو خواهد بود (اشاره به فتح مکه است).

کدام وجه اولویت دارد؟

ممکن است از میان معانی یک جمله، بعضی بر بعضی دیگر اولویت داشته باشند. در میان این معانی، این معنی که «سوگند به این شهر در حالی که تو در آن اقامت داری» [اولویت دارد]. یعنی گرچه آن اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارک و هدی للعالمین، اما فعلاً [این شهر] بتخانه شده و ما که الان به این شهر سوگند می‌خوریم به این دلیل است که تو در آن اقامت داری.

ادامه آیات

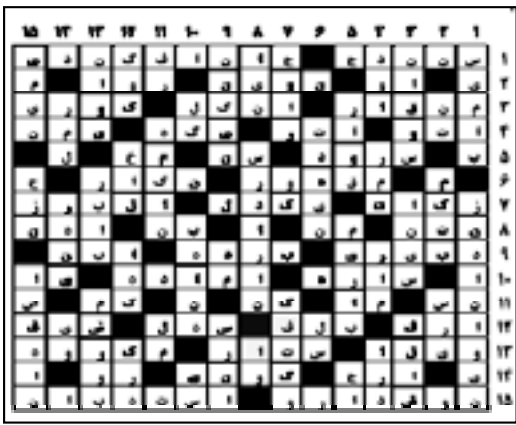
و والد و ما ولد. سوگند به پدری و آنچه این پدر ایستاد کرد، یعنی آن فرزندی که این پدر به وجود آورد. در واقع یعنی: و سوگند به پدری و آنچه پسر می‌شود. اگر می‌گفت «و من ولد» معنی چنین می‌شد «و کسی که این والد او را به دنیا آورد»

اما فرموده: و ما ولد. به تعبیر ادبی، عرب در مورد عاقل یعنی انسان و به عبارت دیگر در مورد شخص، «من» به کار می‌برد و در مورد شیء «ما». کما اینکه در فارسی در مورد شخص «کس» به کار می‌بریم و در مورد شیء «چیز».

اگر بگوییم «کسی را دیدم» یعنی انسانی را دیدم، و اگر بگوییم «چیزی را دیدم» یعنی غیر انسانی را دیدم، اعم از اینکه حیوان، نبات یا جماد باشد. ولی گاهی در مورد انسان، کلمه «چیز» به کار می‌رود و آن در مقام تعجب است.

مثلاً وقتی پهلوان فوق‌العاده‌ای را می‌بینیم می‌گوییم «چه هست!» یا مثلاً به پدری که پسرش کار نمایانی کرده و نبوغی نشان داده می‌گوییم «آقا! ماشاءالله چه به دنیا آورده‌اید!» اینجا در مقام تعجب به جای «کس»، «چه» به کار می‌برند. در زبان عربی هم همینطور است. اینجا هم می‌فرماید: سوگند به پدری و آنچه فرزندی مقصود از «والد» و «ما ولد» کیست؟

حال مقصود از این پدر و فرزند کیست؟ مفسرین گفته‌اند: و درست هم گفته‌اند- که به مناسبت شهر مکه، مقصود ابراهیم و اسماعیل است که کعبه به دست آنها پایه‌گذاری شد و شهر مکه به دست آنها تأسیس شد. در واقع یعنی: سوگند به پایه‌گذاران این شهر.



جواب جدول شماره ۹۴/۷۷۸

- ۱- رزمنده- بالاترین مقام اجرایی کشور
- ۲- ضمیر اشاره به دور- نژاد- صاف کننده لباس با املاقی قدیمی
- ۳- از شهرهای کردنشین عراق- روشن‌تر- تفریح بچه‌ها
- ۴- پهلوان شجاع- از سنگ‌های ارزشمند- شب گذشته- راه قطار
- ۵- مشهور- یا- کاشت بارانی
- ۶- بلند کم عرض- ساحل
- ۷- لاغ- حافظ مرزهای کشور- شکار
- ۸- نامش زهیر و از شهدای کربلاست- زنبور خارجی- حیوان باوفا- گلی خوشبو
- ۹- خفت‌آور- کشوری آفریقایی- پشت
- ۱۰- ضروری- دستاویز- نفوذ در سایت اینترنتی
- ۱۱- سنگ ریز کف رودخانه- عدد مرغان قاف- نای بی‌آغاز- بو
- ۱۲- بچه در شکم مادر از این راه غذا می‌خورد- یاری- از بیهوش‌کننده‌ها- سگ شکاری
- ۱۳- بی‌خرد و احمق- افسار- از واحدهای پول عربی
- ۱۴- ابتدا- صدمه- درخت انگور
- ۱۵- به ترکی یعنی زنده باشید- تازه تأسیس عمودی:
- ۱- بین‌المللی- به کسی که سپاسگزار نباشد می‌گویند
- ۲- از توابع تهران- چاق- اصیل و خالص
- ۳- کشوری آفریقایی- برخی آدم‌ها دارند- برق دوربین عکاسی

شیوه حل جدول سودوکو

یک سودوکوی معمولی دارای ۹ ستون عمودی و ۹ ردیف افقی است که توسط خطوط پررنگ‌تر به ۹ جعبه ۳ در ۳ تقسیم شده است.

تعدادی از خانه‌ها در این جدول دارای عدد هستند و وظیفه شما این است که خانه‌های خالی را پر کنید طوری که هیچ عددی در یک ستون، ردیف و جعبه تکرار نشود. اعدادی که در هر ردیف و ستون قرار می‌گیرد از عدد ۱ تا ۹ را شامل می‌شود و نباید تکراری باشند.

جواب جدول شماره ۹۴/۲۵۲

1	3	7	6	9	5	2	8	4
8	2	9	4	7	3	5	6	1
6	4	5	8	1	2	9	3	7
9	7	4	3	6	1	8	5	2
3	1	8	5	2	9	4	7	6
5	6	2	7	4	8	1	9	3
7	8	6	1	5	4	3	2	9
4	9	3	2	8	7	6	1	5
2	5	1	9	3	6	7	4	8

جدول شماره ۹۴/۲۵۳

3	1	5	8	9	7	2	6	4	8	9
5	2	7	8	9	7	2	6	4	8	9
2	5	4	8	3	8	3	2	6	4	8
6	4	5	8	3	8	3	2	6	4	8
2	5	4	8	3	8	3	2	6	4	8
6	4	5	8	3	8	3	2	6	4	8
2	5	4	8	3	8	3	2	6	4	8
6	4	5	8	3	8	3	2	6	4	8
2	5	4	8	3	8	3	2	6	4	8
6	4	5	8	3	8	3	2	6	4	8

سودوکو